

نیز استاد بود. یکی از ساده‌ترین منشآت او نامه‌ای است که به زن «جان مکدنالد» و خواهر «سیر جان مالکوم» معروف نوشته که قسمتی از آن را نقل می‌کنیم: «علی‌اچاه صدارت دستگاه عصمت و عفت همراه، خواهر خجسته اختر مهربان بی‌بی صاحب، امید از رأفت و رحمت خداوند یگانه دارم که هر جا باشید به خوشوقتی و کامیابی بگذرانید؛ از رفتن شما بسیار ملالت و دلتنگی دارم، به این سبب که دوست حقیقی من ایلچی بزرگ دولت دایم‌القرار انگلیس، تنها مانده است و سخت اندیشه‌ناکم که از آلم تنهایی و مفارقت شما، خدا نخواست بر او ناخوش بگذرد، از آب و هوای این مملکت دلگیر شود، حق اینست که هرگز راضی به رفتن شما نبودیم، از اندیشه اینکه حُب وطن بر شما غالب باشد و منعی که بکنیم بر خاطر شما ناگوار آید، سکوت کردیم، حالا بحمدالله به ممالک انگلند و اسکاتلند که موطن اصلی و مسکن مألوف شماست، رسیده‌اید و آنچه اینجا بر شما بد گذشته بود، تلاقی آن را در خوش‌گذرانیهای آنجا کرده‌اید...»

نمونه‌ای از اشعار انتقادی او:

آه از این قوم بی‌حمیت بی‌دین	گُرد ری و تُرکِ خَمسه و لُر قزوین
عاجز و مسکین هرچه دشمن بدخواه	دشمن و بدخواه هرچه عاجز و مسکین
رو به خیار و کدو کنند چو رستم	پشت به خیل عدو کنند چو گرگین...

نامه انتقادی قائم‌مقام و حمله شدید او به میرفتاح عامل اجانب

قائم‌مقام فراهانی که یکی از پیشروان تجدد ادبی است، در مکتوبی که از زبان عباس میرزا نوشته، پرده از روی دسایس و تحریکات مغرضین و اوضاع سیاسی عصر خود برداشته است: بعدالعنوان...

خدایا راست گویم فتنه از تُست	ولی از ترس نتوانم چخیدن
لب و دندان ترکان خطارا	بدین خوبی نیبایست آفریدن
که از دست لب و دندان ایشان	به دندان، دست و لب باید گزیدن

می‌فرمایند (یعنی ولیعهد) پلوه‌های قند و قماش و قدحهای افشرد و آش شماست که حضرات را رها کرده است. اسب عربی بی‌اندازه جو نمی‌خورد، و اخته قزاقی اگر ده من یکجا بخورد بدمستی نمی‌کند، خلافِ بابوهای دودرغه (یعنی دورگه) که تا قدری جو زیاد دید... اول لگد به مهتری که تیمارش می‌کند می‌زند... سزای آن نیکی این بدی است، امروز که در میان سپاه مخالف نشسته‌ایم و مایملک خود را بی‌محافظت خارجی به اعتماد اهل تبریز گذاشته، در شهر پایتخت ما آشوب و فتنه کنند و دکان و بازار ببندند؛ اگر

عرضه داشت و کدخدایان آدم بودند، فتاح غیر علیم (مقصود آخوندی است «میرفتاح» نام، که مردم را به استقبال سپاه روس تزاری ترغیب می کرد) چه جرئت و قدرت داشت که مصدر این حرکات شود؟ فرمودند اگر حضرات از آش و پلو سیر نشوند، بجا، اما شما را چه افتاده است که از زهد ریایی سیر نمی شوید؟ کتاب جهاد نوشته شد، نبوت خاصه به اثبات رسید، قیل و قال مدرسه حالا دیگر بس است، یکچند نیز خدمت معشوق و می کنید! صدیک آنچه با اهل صلاح حرف جهاد زدید، اگر با اهل صلاح صرف جهاد شده بود، کافری نمی ماند که مجاهدی لازم باشد! باری بعد از این سفره جمعه و پنجشنبه را وقف اعیان شهر و کدخدای محلات و نجبای قابل و رؤسای عاقل نکنید، سفره زرق و حیل را برچینید، سگه قلب و دغل را بشناسید.

نقد صوفی نه همه صافی بیغش باشد ای بسا خرّقه که مستوجب آتش باشد

حافظ

... من بعد بساط کهنه برچینید و طرح نو دراندازید، با اهل آن شهر معاشرت کنید و مربوط شوید، دعوت و صحبت نمائید، از جوانان قابل و پیران کامل آنها، چند نفری که به کار خدمت آیند انتخاب کنید و هزار یک آنچه صرف این طایفه شد مصروف آنها دارید...»<sup>۱</sup>

مَلِكُ الْكُتَابِ محضلی است مثل مَلِكِ عَذَابِ، جزودان سرکار را به عزم تماشا بخواهد به رسم یغما ببرد، مثل دزد بی توفیق که ابریق رفیق برداشت که به طهارت میروم و به غارت می رفت. طوری هستند که از سایه ماها فرار می کنند «هریک که صبح زودتر از خواب بیدار شوند وزیرند.» - «شیخ شبلی را حکایت کنند که در یکی از سفرها دزد بر کاروان زد و هرکس را در غم مال، فغان و خروش برخاست، مگر او که همچنان ساکن و صابر بود و خندان و شاکر که موجب تعجب سارقان گشت، وجه آن باز پرسیدند. گفت: این جماعت را مایه بضاعت همان بود که رفت، خلاف من که آنچه داشتم کماکان باقیست، امثال شما را خدّ تصرف در آن نیست.»

## روابط ایران با غرب

حیات سیاسی، ادبی و اجتماعی ایران از عهد فتحعلیشاه به بعد، مخصوصاً پس از



استقرار مشروطیت، دگرگون گردید و تحت تأثیر فرهنگ و تمدن غرب قرار گرفت؛ به تدریج ساده‌نویسی و بحث و انتقاد در زمینه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی آغاز گردید، چون این تحولات در ایران و دیگر کشورهای آسیایی، مولود انقلاب سیاسی و اجتماعی اروپاست، بی‌مناسبت نیست که اجمالاً نظری به سیر دموکراسی در غرب و علل و عوامل نفوذ تمدن جدید در ایران بیفکنیم:

### رشد دموکراسی و حکومت ملی

در ایران تا قبل از نفوذ تمدن غرب جز عده‌یی انگشت‌شمار کسی به حقوق فردی و اجتماعی خود و لزوم مداخله مردم در کار حکومت، توجه و عنایتی نداشت. از آغاز حکومت فتحعلیشاه، در نتیجه آمد و رفت اروپائیان و مسافرت عده‌یی از طبقات ممتاز به ممالک غرب، نام آزادی و نتایج و ثمرات دموکراسی اندک‌اندک از اذهان و افکار مردم ترقیخواه ایران راه یافت. در اروپا نیز تا دو قرن پیش، یعنی تا قبل از انقلاب صنعتی و رشد تمدن بورژوازی از آزادی سیاسی به معنی عام کلمه، نام و نشانی نبود «حتی در ممالک غرب تا قبل از «نهضت پروتستانها» آزادی مذهبی و حق قضاوت خصوصی مردم درباره مذهب، بسیار محدود بود و آزادی سیاسی به معنی آزادی رأی در انتخاب حکومت، تا قبل از قرن نوزدهم کمتر مفهومی داشت... مراحل مختلفی که بشر برای تحصیل آزادی طی کرده بسیار متنوع و گوناگون و از آنجمله است... نهضت آزادی زنان در قرن نوزدهم و بیستم و تقاضای اقلیتهای نژادی و مردم مستعمرات برای آزادیهای سیاسی و غیره.

پس از انقلاب صنعتی در غرب، طبقه جدیدی به نام «بورژواها» که همان سرمایه‌داران و تجار و عوامل آنها می‌باشند در اروپا پیدا شدند، این طبقه تازه به دوران رسیده و سنت‌شکن، علی‌رغم فنودالهای کهنه‌پرست و محافظه‌کار، بنا به مصالح اقتصادی و اجتماعی خود با آزادیهای سیاسی و اقتصادی و شکستن حد و مرزهای قدیم و رشد علوم و افکار، در آغاز امر موافق بودند؛ به همین مناسبت در کشورهای غرب، مردانی نظیر «لاک» «دیدرو» «دالامبر» «روسو» «ولتر» و «جفرسن» به پیروی از مقتضیات زمان، قلم در دست گرفتند و برای به کرسی نشاندن این فکر که بشر دارای حقوق و آزادیهای طبیعی و غیرقابل انتزاع است کتابها نوشتند. انقلاب کبیر فرانسه که به شکست قطعی فنودالیسم منتهی شد، مرام بورژواها را عملی ساخت و به تدریج این فکر پیدا شد که باید به تمام افراد جامعه فرصت و امکان داد تا از تعلیم و تربیت همگانی بهره‌مند شوند و استعداد و جوهر ذاتی خود را به منصفه ظهور و بروز برسانند.

سازمان سیاسی ضد برده‌داری در ۱۸۴۰ بوجود آمد و هدف آن الغاء اصول برده‌داری بود و سرانجام در ژانویه ۱۸۶۳ آزادی بردگان از طرف آبراهام لینکلن رئیس جمهور آمریکا اعلام شد و تلاشهای بعدی بردگان و آزادمردان جهان، اصول بردگی را که مورد قبول بعضی از ادیان و مذاهب بود از بیخ و بن برانداخت.

دیگر از آزادیهایی که از دیرباز مورد علاقه بشر بود: آزادی بحث و انتقاد است. انقلاب بورژوازی به مردم فرصت داد تا در زمینه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی مطالعه و تحقیق نمایند و آراء و نظریات خود را بدون اینکه کسی بتواند بر آن تعرض کند یا ایشان را در فشار بگذارد، در کتب و مطبوعات اعلام و ابراز دارند.

در انگلستان دانشمندانی چون «داروین» با اعلام نظریات علمی خود، ارزش آزادی بحث و تحقیق را بر همه آشکار کردند و نشان داد، بدون آزادی اندیشه و قلم، نمی‌توان اسرار و رموز حیات مادی بشر و دیگر موجودات را کشف کرد و در اختیار مردم قرار داد.

«در ممالکی که با حکومت‌های استبدادی و دموکراسیهای اسمی اداره می‌شوند، به عنوانی مختلف «تعارض با دین، یا با مصالح عالیه مملکتی» و امثال اینها، که جملگی در واقع تعارض با مصالح طبقه حاکم است، این آزادیها را محدود می‌کنند. سابقاً در ایران، مسئله عدم سازش دین با حکمت و فلسفه از مسائل جاری بود: علمای قشری، حکمت و تصوف را کفر قلمداد می‌کردند و مزاحم محصلین این رشته‌ها بودند. مثنوی مولوی را با انبر برمی‌داشتند و می‌سوزانیدند و دست زدن به آن را جایز نمی‌دانستند.»<sup>۱</sup>

از برکت دموکراسی، آزادی مطبوعات به وجود آمد و چاپ کتابها، روزنامه‌ها و مجلات بدون آنکه مندرجات آن بازرسی و سانسور شود ممکن و میسر گردید؛ پس از اختراع ماشین چاپ در اروپا، کلیسا و دولت، از بیم اینکه مردم عقاید و افکار خود را آزادانه چاپ کرده و نشر دهند، سانسور شدیدی برای چاپ هرگونه کتاب و مطبوعات برقرار کردند و این وضع تا انقلاب ۱۷۸۹ دوام داشت چنانکه در سال ۱۵۰۱ میلادی، پاپ الکساندر ششم مقرر داشت که انتشار هر کتابی بدون اجازه کلیسا ممنوع است و در سال ۱۵۳۵، فرانسوای اول پادشاه فرانسه فرمانی صادر کرد که هرکس بدون اجازه، کتابی را منتشر کند محکوم به مرگ خواهد شد... در انگلستان پس از اصلاح دینی، حق سانسور کتاب، از کلیسا منتزع شد و به دست دولت افتاد؛ دولت هم انحصار چاپ کتاب را به چند نفر ناشر واگذار کرد که آنها هم باید قبل از چاپ، مندرجات کتاب را به نظر دولت

۱. مطالب بین گیومه نقل از دایرةالمعارف فارسی به سرپرستی دکتر مصاحب است به صفحات ۱۱۳ و ۱۱۴ رجوع فرمائید.



برسانند (۱۵۳۴-۱۶۹۵) انتقاد از دولت، جرم محسوب می‌شد و درج مذاکرات پارلمان هم تا سال ۱۷۷۰ مقید و محدود بود. در سال ۱۶۹۵ مقررات مربوط به تحصیل اجازه برای چاپ کتاب ملغی گشت و در سال ۱۷۸۴ دولت انگلیس اعلام کرد که چاپ هر نوع کتاب و نوشته‌ای آزاد است، مشروط بر اینکه مندرجات آنها، افتراآمیز نباشد... در کشورهای دیکتاتوری که حکمفرمایان به زور حکومت می‌کنند و همواره بیم آن دارند که مردم طغیان کرده، حکومت ستمگر آنان را ساقط نمایند، آزادی مطبوعات وجود ندارد و وسائل گوناگونی برانگیخته می‌شود که آزادی گفتار و قلم محدود شود... در کشورهایی که دموکراسی به معنی واقعی آن موجود می‌باشد آزادی مطبوعات تأمین گشته است.»

دیگر از آزادی‌هایی که محصول دموکراسی است، آزادی نطق و بیان و بحث و انتقاد است. به موجب این اصل، افراد مردم بدون بیم و هراس از تعقیب پلیس، حق دارند عقاید و نظریات خود را طی نطقها و خطابه‌ها و کتب و رسالات، در میدانها و محافل عمومی اعلام کنند، بدون اینکه اجازه داشته باشند با تهمت و افتراء و دروغگویی حقایق را دگرگون جلوه دهند.

آزادی وجدان و آزادی معتقدات مذهبی یکی دیگر از میوه‌های گرانبهای آزادی است. ما در تاریخ اجتماعی ایران ضمن بحث در پیرامون معتقدات مذهبی، نشان دادیم که در طول تاریخ ایران بعد از اسلام، در نتیجه جنگهای مذهبی و اختلاف فرقه‌گوناگون، شیعه و سنی و اسماعیلی و قرمطی و غیره با یکدیگر، صدها هزار آدمی در خاک و خون غلتیده‌اند. طبقه حاکم قرون وسطا نیز که از جهل و بیخبری مردم بهره‌برداری می‌کردند، غالباً جنگ «۷۲ ملت» را دامن می‌زدند و گاه روحانیان مُغرض و بی‌مایه را تقویت می‌کردند که به این اختلافات دامن بزنند. برخلاف این گروه، روحانیان اصیل و واقع‌بین همواره سعی کرده‌اند با بیان واقعیات، مردم را به صفا و صمیمیت و اخوت اسلامی و گذشت و تسامح و برادری و برابری دعوت و تبلیغ نمایند. اساسی‌ترین ثمره دموکراسی جدید، انتخابات آزاد و مجلس شورای ملی است.

مجلس شورا یا «پارلمان» تا قبل از انقلاب فرانسه (در سال ۱۷۸۹) نیز وجود داشت، ولی مدیران آن سرکردگان فنودال بودند. ابتدا، تنها يك پارلمان در پاریس وجود داشت، ولی بعدها در ولایات فرانسه ۱۴ پارلمان تأسیس شد. این پارلمانها، غیر از حل و فصل دعاوی، دارای بعضی از اختیارات سیاسی نیز بودند، قوانینی را که پادشاه وضع می‌کرد تا در پارلمان پاریس به ثبت نمی‌رسید، قابل اجرا نبود.

در سلطنت لویی پانزدهم، پارلمانها برضد ادامه مالیاتهای جنگی پس از پایان

جنگهای هفت ساله، سر به طغیان برداشتند. (۱۷۶۳) و لویی، صدراعظم خود را مأمور سرکوبی آنها کرد. در سال ۱۷۷۴ لویی شانزدهم بار دیگر پارلمانها را تشکیل داد. در سال ۱۷۷۴ وزیر دارایی وقت درصدد اصلاح امور مالی کشور برآمد، ولی پارلمانها مخالفت کردند و او اعضای پارلمان پاریس را تبعید کرد. سالها بعد یعنی در سال ۱۷۸۹ «اتازنرو» یعنی مجلس طبقاتی تشکیل شد که مقدمه انقلاب فرانسه بود. بعد از آن، دیگر پارلمانها به صورت گذشته تشکیل نگردیدند و بیش از پیش جنبه ملی و اجتماعی به خود گرفتند.

پارلمنت در انگلستان: کلمه پارلمنت در انگلستان از قرن سیزدهم به بعد استعمال شده است و آن موقعی بود که پادشاه با عده‌یی از اعیان و روحانیان به مشورت پرداختند. با اینکه پارلمنت به مجلس اعیان و مجلس عوام هر دو اطلاق می‌شود، معذک امروز مراد از کلمه پارلمنت بیشتر مجلس عوام است. در طی قرون گذشته به تدریج اختیارات پادشاه انگلستان در حل و فصل امور سیاسی و اقتصادی کشور نقصان یافت و امروز فقط نامی از آن باقی است و مقام سلطنت در انگلستان فقط یک مقام تشریفاتی است. هنوز گفته می‌شود، پادشاه اعضای مجلس اعیان را انتخاب می‌کند، یا پارلمان را منحل می‌کند، ولی در عمل همه این کارها به نام پادشاه و به دست دولت عملی می‌شود و حق حاکمیت حقیقی با مجلس عوام و نمایندگان برگزیده ملت می‌باشد.

رئیس مجلس از حزب حائز اکثریت انتخاب می‌شود و تصویب لوایح مالی اختصاص به مجلس عوام دارد. اعضای مجلس اعیان را از قدیم، اعیان و لردها و بارونها تشکیل می‌دادند و عده‌یی از آنها به ارث عضویت مجلس اعیان را به دست می‌آوردند و بعضی دیگر از روحانیون و قضات عالی مقام مادام‌العمر در این مقام باقی می‌مانند. به موجب قانون ۱۹۵۸ مقرر گردید از بین زنان و مردان مشهور نیز عده‌یی به مجلس اعیان راه یابند، از سال ۱۹۱۱ به بعد نتیجه مبارزات مداوم، اختیارات مجلس اعیان بسیار محدود و تصویب هر نوع لوایح مالی با رأی اکثریت اعضای مجلس عوام امکان‌پذیر گردید. حق انتخاب نمایندگان مجلس عوام تا سال ۱۸۳۳ محدود به طبقات متوسط و نسبتاً متمکن بود، ولی به تدریج قوانینی تصویب شد که این حق را به طبقات دیگر هم داد و در سال ۱۹۱۸ حق انتخاب نمایندگان را برای عموم طبقات مردم قائل شدند.<sup>۱</sup> به این ترتیب دموکراسی انگلستان کم و بیش صورت ملی به خود گرفت.



مفهوم دموکراسی: «دموکراسی به گفته آبراهام لینکلن عبارت است: از حکومت مردم برای مردم و به دست مردم و یا به عبارت دیگر نوعی از حکومت را می‌گویند که در آن حاکمیت عالیه در دست مردم است و ممکن است مستقیماً یا به واسطه نمایندگانی که مردم انتخاب می‌کنند اعمال شود. (برخلاف حکومتهایی که در آنها حکومت به دست یک طبقه، یک گروه ممتاز و یا یک فرد است) در اصطلاحاتی مانند دموکراسی اقتصادی، دموکراسی صنعتی، و دموکراسی اجتماعی که امروز رایج است، دموکراسی از مفهوم صرف سیاسی خود تجاوز کرده است و ناظر بر توجه و نظارت مردم بر کلیه امور است و به اصلاح وضع سیاسی و اقتصادی اکثریت مردم توجه مخصوص دارد - به معنی وسیع، دموکراسی نظریه‌ی است فلسفی که مبنای آن این است که مردم حق و مالاً لیاقت دارند که بر سازمانهای خود به صلاح خویش نظارت کنند. این فلسفه برای «خرد» و شخصیت انسانی ارزش فراوانی قائل است و معتقد است که قیود لازم برای محدود کردن آزادی فرد به منظور جلوگیری از هرج و مرج باید با رضایت و موافقت اکثریت افراد و با رعایت اصل برابری بر آنها تحمیل شود... در قرن نوزدهم دموکراسی در بسیاری از ممالک مغرب‌زمین پیروز شد. مردم آزادی‌هایی یافتند و با وسایلی مؤثرتر از پیش برای بیان اراده خود مجهز شدند و نظام حزبی به عنوان مؤثرترین وسیله نیل به این منظور شناخته شد. در کشورهای آسیا در طی صدسال اخیر، نهضت‌هایی برای ایجاد دموکراسی ظاهر شده است، ولی حکومت‌های دموکراسی در ممالک این قاره در اغلب موارد از جنبه اسمی تجاوز نکرده است. نهضت مشروطیت ایران یکی از نخستین نهضت‌های دموکراسی در آسیاست.

دموکراسی به معنای که در ممالک غربی عموماً از آن استنباط می‌شود، متضمن نظریه تفکیک قوا و آزادی انتخابات، حکومت قانون، و آزادی نطق و بیان است. در اتحاد شوروی و قسمتهایی از آسیا و اروپای شرقی، اصطلاح حکومت مردم را به معنی دیگری تعبیر می‌کنند که عبارت است از نظارت دولت بر انواع فعالیتها، و معتقدند که بدین وسیله، تقدم مصالح عمومی بر منافع خصوصی تأمین می‌شود و به همین جهت حکومت خود را حکومت دموکراسی توده‌یی می‌خواندند و مالکیت خصوصی هریک از وسایل تولید را منافی دموکراسی واقعی می‌شمردند.<sup>۱</sup> ولی این روش سیاسی و اقتصادی پس از ۷۰ سال، در نتیجه استبداد زمام‌داران، فقدان دموکراسی واقعی و نبودن اجازه بحث و انتقاد و ظلم و تبعیض مأمورین اجرایی محکوم به شکست گردید.

تأمین اجتماعی: «یکی از محصولات و ثمرات دموکراسی، توجه به حقوق و احوال اقتصادی طبقات زحمتکش است که از راه اجرای قانون تأمین اجتماعی، در بسیاری از کشورها به موقع اجرا گذاشته شده است. در پناه این قانون، کارگران و حقوق‌بگیران و عائله آنها در مقابل حوادث عمده و بحرانهای اقتصادی حمایت می‌شوند و دولت، ماهانه، مبلغی که مخارج زندگی آنها را تأمین می‌کند تا موقع پیدا شدن کار، به آنها می‌پردازد، این نوع تأمین اجتماعی بین سالهای ۱۸۸۰ تا ۱۸۹۰ در آلمان اجرا شد، تا برنامه سوسیالیستها را خنثی کند.

در انگلستان نیز موقعی که قانون بیمه ملی (۱۹۱۱) به تصویب رسید، مقرراتی وضع شد که در قبال ناخوشی، بیکاری و پیری، کارگران بیمه می‌شدند. در آمریکای شمالی در سال ۱۹۳۵ برنامه تأمین اجتماعی یکی از برنامه‌های اصلاحات روزولت قرار گرفت و امروز در آن کشور بیش از ۷۵ میلیون نفر از مزایای بیمه اجتماعی بهره‌مند می‌شوند. پس از جنگ جهانی دوم، در انگلستان قانون جامعی وضع گردید و به موجب آن عموم مردم انگلستان در موقع بیکاری، بیماری و پیری از آن بهره‌مند می‌شوند و همه می‌توانند به طور رایگان از پزشک و دارو استفاده کنند و در موقع بیکاری، حقوقی دریافت دارند و در ایام کهولت حقوق بازنشستگی بگیرند. در ایران، تأمین اجتماعی هنوز برای عموم مردم به موقع اجرا گذارده نشده است و فقط قسمتی از کارگران کشور از بیمه‌های اجتماعی کارگران استفاده می‌کنند.»<sup>۱</sup>

به نظر ویل دورانت: «برای قوام و دوام دموکراسی باید کوشید، تا فهم و سطح اطلاعات عمومی بالا برود. تنها از این راه می‌توان از دسایس سیاست‌بازان فرصت‌طلب جلوگیری کرد. اکنون دهها سال است که ما اجازه نسخه‌نویسی و تجویز دارو و کشیدن دندان را به کسانی می‌دهیم که يك عمر فداکاری و صرف وقت برای فراگرفتن این دانشها کرده‌اند» ولی در عرصه سیاست و کشورداری دقت و مآل‌اندیشی کافی به خرج نمی‌دهیم، یعنی «کسانی که سر و کارشان با بیماریهای غیرجسمانی است و جان میلیونها مردم را در صلح و جنگ به دست دارند و ثروت و آزادی ما به دست آنها سپرده شده است، مقدمات و آمادگی خاصی لازم ندارند. اینگونه اشخاص فقط کافی است که با رئیس دولت دوست، و به رژیم و دستگاه حکومت وفادار باشند. خوش قیافه و مطیع و



آداب‌دان و خوش‌برخورد باشند، اوامر را به آرامی دریافت کنند و در وعده دادن مانند اداره هواشناسی باشند...»<sup>۱</sup> ویل دورانت می‌گوید: «من به دنبال مدینه فاضله نیستم، ولی انتظار دارم که با مراقبت و مداخله مردم «حکومت به اندازه طاقت بشری توانا و درستکار باشد» این است مسئله سیاست و تنها مسئله‌یی که در اینجا به ما مربوط است. ولی ما در این روزها جهل و فساد را از امتیازات طبیعی بعضی از زمامداران (مخصوصاً در کشورهای عقب مانده) می‌دانیم... ولی حکومتها همیشه فاسد و نالایق نبوده‌اند. انگلیسیها هنوز در تربیت سیاستمداران و پاکی قضات خود شهرتی دارند و شهرداران موظف آلمان، شهرهای خود را بهترین اماکن اداره شده عالم کرده‌اند. هیچ چیز محال نیست.»<sup>۲</sup>

سیر تکاملی دموکراسی در انگلستان: «... به طور کلی تحول نظامهای پادشاهی اروپایی، همچون تحول بریتانیای کبیر در سه مرحله صورت گرفته است: نظام پادشاهی مطلق، نظام پادشاهی محدود، نظام پادشاهی مشروطه.

پیدایش مجلس شورا، در برابر پادشاه، یا بهتر بگوییم، گسترش اختیارات این مجلس که جانشین مجالس دست‌نشانده فئودالها بود، موجب شد، که نظام پادشاهی از مرحله نخست به مرحله دوم برسد، توسعه افکار آزادیخواهانه، سلطان را واداشت، تا بیش از پیش، اراده پارلمان را به حساب آورد، وزرا که در آغاز دبیران ساده‌یی برای پادشاه بودند، به تدریج مجبور شدند تا اعتماد پارلمان را نیز برای اعمال قدرت به دست آورند... این مرحله دیری نپایید و پس از آن اعتماد نمایندگان، تنها ضابطه دوام حکومت شد، همه قدرتهای لازم برای حکومت در دست هیئت وزیران متمرکز است و پادشاه فقط نقشی تشریفاتی می‌ماند (پادشاه سلطنت می‌کند نه حکومت).

در سال ۱۸۷۵، کشور فرانسه این نظام پارلمانی را در چهارچوب جمهوری قرار داد و پس از آن رژیم این کشور توسط دولتهای بیشماری مورد تقلید قرار گرفت. اختلاف واقعی میان جمهوریهای پارلمانی و سلطنت مشروطه واقعی بسیار کم است، زیرا که رئیس دولت، چه پادشاه باشد چه رئیس جمهور، عملاً قدرتی ندارد...»<sup>۳</sup> و حل و فصل مسائل مهم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور با نظر و تصویب نمایندگان مجلس که برگزیده مردمند، صورت می‌گیرد.

۱ و ۲. لذات فلسفه، ص ۳۶۵ و ۳۶۷.

۳. مورس دوروزه، اصول علم سیاست، ترجمه ابوالفضل قاضی، ص ۱۳۴ و ۱۳۵.

## صنعت چاپ

چاپ یعنی فن کثیر حروف، خطوط و تصاویر، بر روی کاغذ، با اصول فنی به وسیله «گوتنبرگ» نخست در اروپا و سپس در دیگر کشورهای جهان تعمیم و گسترش یافت. قدیمیترین و ابتداییترین نمونه فن چاپ در چین پدید آمد. بعداً در طی قرن پانزدهم، چاپ قالبی رواج یافت، به این ترتیب که مطالب را روی چوب می‌کنند و آن را روی کاغذ منتقل می‌کردند؛ به این وسیله بعضی از کتب مذهبی و آثار مورد نیاز عمومی چاپ و تکثیر شد.

اختراع حروف قابل انتقال (حروف چاپ) به وسیله گوتنبرگ در آلمان صورت گرفت و به سرعت در اروپا رواج یافت و در سال ۱۴۸۷ در سراسر اروپا چاپخانه‌هایی دایر شد. ایتالیا در ایجاد حروف نوین چاپ پیشقدم بود و پس از آن پاریس پایتخت فرانسه موقعیت مهمی در این زمینه کسب کرد. به تدریج فن چاپ از فن تهیه حروف تفکیک گردید. در اثر محدودیتهای ناشی از اصلاح دینی، عده‌یی از چاپگران، کارگاههای خود را از فرانسه به هلند منتقل کردند و از این کشور حروف و مطبوعات به سراسر اروپا صادر می‌گردید.

از حدود سال ۱۸۰۰ به بعد، در نتیجه اختراعات جدید، هزینه چاپ و انتشار کتاب روبه نقصان نهاد. با اختراع چاپ «روتاری» و بعدها در سال ۱۸۹۶ با استفاده از مونوتایپ که خود عمل حروفچینی را انجام می‌داد، فن چاپ بیش از پیش رو به پیشرفت نهاد.

امروز بطور کلی سه طریقه در فن چاپ معمول است: چاپ حرفی یا برآمده، چاپ همسطح، و چاپ گود یا گراوری. در چاپ حرفی، نقوشی که اثر آنها، باید بر صفحه کاغذ چاپ شود، بالاتر از زمینه صفحه چاپ قرار نارد و مستقیماً با کاغذ تماس پیدا می‌کند، تا حدود ۱۹۰۵ تقریباً در همه کارهای چاپی از طریقه چاپ حرفی استفاده می‌شد. چاپ حرفی یا چاپ سُرَبی، یا چاپ برآمده را در آغاز ورود فن چاپ به ایران به نام اروپایی آن «تیپوگرافی»<sup>۱</sup> نیز می‌گفتند.

تا حدود سال ۱۹۰۵ تقریباً در همه کارها از طریقه چاپ حرفی استفاده می‌شد؛ در همین سال، طریقه چاپ همسطح بیش از پیش مورد توجه واقع شد و چاپ اُفست از آن ناشی گردید.<sup>۲</sup>



ماشینهای چاپ، انواع و اقسام مختلف دارد، ماشین چاپ روتاری بزرگترین و سریعترین نوع ماشینهای چاپ کنونی است و معمولاً برای چاپ روزنامه‌های پرتیراژ از آنها استفاده می‌شود. ماشین چاپ روتاری می‌تواند هر ساعت ۶۰ هزار نسخه روزنامه چاپ کند، صفحات آن را ببرد، «تا بزند» و تعداد نسخه‌های چاپ شده را شماره کند.

### چاپ و چاپخانه در ایران

اولین چاپخانه عربی و فارسی در ایران ظاهراً در اوایل قرن یازدهم ه. ق. به وسیله کشیشان کرملی، در دیر آنان در اصفهان دایر گردید و به «بسمه‌خانه» معروف شد. در جلفای اصفهان ظاهراً قریب سی سال بعد از اینکه شاه عباس اول صفوی ارامنه را به آنجا کوچانید (۱۰۱۳ ه. ق.) چاپخانه ارمنی دایر گردید، و اثری که در (۱۰۵۰ ه. ق.) در آنجا چاپ شده باقیست. خود ایرانیان سالیان دراز توجهی به چاپخانه نداشتند و اگر هم گاهی صحبتی از آن می‌رفت (چنانکه شاردن در سیاحتنامه خود گفته است) از مرحله حرف تجاوز نمی‌کرد، تا آنکه ظاهراً در سلطنت فتحعلیشاه، اولین چاپخانه تیپوگرافی (چاپ سربی) تحت حمایت و تشویق عباس میرزا ولیعهد در تبریز دایر گردید و شخصی به نام آقا زین‌العابدین تبریزی، رساله فتحنامه (از میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام) را که ظاهراً نخستین کتاب فارسی است که در ایران با حروف عربی طبع شده است به چاپ رسانید. (۱۲۳۳ ه. ق.) همچنین عباس میرزا در (۱۲۴۰ ه. ق.) میرزا جعفر تبریزی را به مسکو فرستاد تا يك دستگاه چاپ سنگی بیاورد و آن صنعت را نیز بیاموزد و او دستگاهی به تبریز آورد و دایر نمود.

گویند فتحعلیشاه میرزا زین‌العابدین تبریزی را به تهران احضار کرد. (حدود ۱۲۴۰ ه. ق.) و او تحت توجه منوچهرخان گرجی ملقب به معتمدالدوله قرآن معروف به قرآن معتمدی را به چاپ رسانید و از شاگردان او میرباقر نامی بود که بعدها ناسخ‌التواریخ را به چاپ سنگی رسانید. - به هر حال در حدود (۱۲۴۰ ه. ق.) در تهران و تبریز چاپخانه سربی دایر بوده است. چنانکه، چاپخانه چاپ سنگی نیز در حدود ۱۲۵۰ در تهران وجود داشته است. ظاهراً چاپ سربی در ۱۲۶۱ ه. ق. در تهران يك چند موقوف شده است.

در اصفهان نیز بین (۱۲۴۴ و ۱۲۴۸ ه. ق.) چاپخانه سنگی وجود داشته است و رساله حسینییه که در این شهر طبع شده است مربوط به این زمان است. قرآن چاپ سنگی شیراز نیز مربوط به همین سالهاست. بعد از تبریز و تهران و ظاهراً بعد از اصفهان و شیراز اولین شهری که در آن چاپخانه دایر گردید، ارومیه بوده است که از (۱۲۵۶ ه. ق.) به بعد

مبلغین مسیحی در آنجا يك مطبعة سربی عربی و سُرِیانی و انگلیسی دایر داشتند. بعد از ارومیه، ظاهراً به ترتیب تاریخی آتیه در سایر شهرهای ایران مطبعة داخل شد: بوشهر، مشهد، انزلی، رشت، اردبیل، همدان، خوی، یزد، قزوین، کرمانشاه، کرمان، گروس و کاشان.

با اینکه اول بار چاپخانه سربی در ایران وارد گردید. بعدها چاپ سربی منسوخ و چاپ سنگی به جای آن دایر شد، تا آنکه در سال (۱۲۹۰ ه. ق) در حین مسافرت ناصرالدینشاه قاجار به اروپا، در اثنای توقف وی در استانبول، يك دستگاه چاپخانه با حروف عربی و فرنگی به قیمت ۵۰۰ لیره عثمانی خریداری و به تهران فرستاده شد، ولی از آن استفاده‌یی به عمل نیامد؛ تا آنکه در سال (۱۲۹۲ ه. ق) بارون «لویی دونورمن»<sup>۱</sup> امتیاز روزنامه‌یی به نام پاتری (وطن) تحصیل کرد و مطبعة را تعمیر نمود و به کار انداخت. در تبریز نیز در حدود (۱۳۱۷ ه. ق) باز يك دستگاه مطبعة سربی دایر شد. با ازدیاد مدارس و توسعه تعلیمات و افزایش عده با سوادان وسایل چاپ در ایران مخصوصاً در سنوات اخیر بسیار افزایش یافته است و حتی بعضی از چاپخانه‌ها با وسایل بسیار نوین مجهز شده‌اند.<sup>۲</sup>

### تاریخ روزنامه نگاری در جهان

«روزنامه یعنی نشریه‌یی که برای اعلام و انتشار اخبار، با فواصل معینی (روزانه یا هفتگی) چاپ و توزیع می‌شود، و امروز مشتمل بر اعلانات و مطالب دیگری که مورد توجه عموم است نیز می‌باشد، الفاظ روزنامه و روزنامه‌چه از قرون اولیه اسلامی در ایران مستعمل بوده است. ولی در آن اوقات چنانکه با ذکر ماخذ قبلاً گفتیم به معنی شرح گزارش روزانه و یادداشت وقایع هر روز بود و در قرون اخیر به گزارش وقایع نگاران دولتی که از ولایات اخبار جاری را به دولت می‌نوشتند، اطلاق می‌شد و سپس به معنی روزنامه چاپی به کار رفته؛ قدیمترین روزنامه‌هایی که در دنیا انتشار یافته است، یکی روزنامه وقایع روز بود که در روم قدیم منتشر می‌شد و دیگر جراید رسمی که از قرون اولیه میلادی در شهرهای چین منتشر می‌شده است تا مردم را در جریان حوادث و وقایع مهم قرار دهند.

اختراع فن چاپ در قرن پانزدهم، و پیشرفت فعالیت‌های اقتصادی و توسعه یافتن روح سوداگری به رشد و توسعه روزنامه نگاری کمک کرد، آلمانها در تهیه روزنامه در



جهان غرب پیشقدم بودند و اوراقی مشتمل بر اخبار در شهرهای «نورمیرگ» و «اوگسبورگ» بطور نامنظم منتشر می شد.

نخستین روزنامه منظم به زبان انگلیسی در اواخر سال ۱۶۲۰ در «آمستردام» منتشر شد، روزنامه اخبار هفته در ۱۶۲۲ در لندن انتشار یافت. نخستین روزنامه فرانسوی گازت دو فرانس بود که در سال ۱۶۳۱ در پاریس انتشار یافت. فرانسه نخستین کشوری بود که در آن روزنامه برای آگاهی توده مردم منتشر گردید و تیراژ آن از یک میلیون تجاوز کرده است. در کشورهای اروپایی نخست در «آنورس» و سپس در «استکهلم» و «سن پترزبورگ» و «بُستن» (آمریکا) و روم و مادرید و کینهاک روزنامه دایر گردید و از قرن نوزدهم به بعد انتشار روزنامه توسعه یافت.<sup>۱</sup>

روزنامه نگاری در ایران

به حکایت اسناد و مدارک تاریخی، در ایران از کهنترین ایام، در دربار شهریاران روزنامه یا دفتری برای نوشتن شرح وقایع وجود داشته، چنانکه عنصری حدود هزار سال پیش می گوید:

به روزنامه ایام در، همه پیداست اگر بخواهی دانست «روزنامه» بخوان  
بطوری که از مدارک تاریخی نظیر: الجماهر بیرونی (ص ۲۶۰) و یتیمه الدهر ثعالبی (چاپ دمشق، ج ۲، ص ۱۰ و ۱۱) و سایر اسناد تاریخی استنباط می شود، در دفاتر «روزنامه» منشیان مخصوص، حوادث و وقایع را هر روز را ثبت و ضبط می کردند. بعید نیست که در دیوان انشاء یا دیوان رسائل که یکی از مهمترین سازمانهای اداری ایران بعد از اسلام است، یک نفر یا چندتن از منشیان مسئولیت نگارش حوادث روزانه را به عهده داشته اند.

در روزنامه ها، غیر از شرح وقایع و اتفاقات، دخل و خرج روزانه نیز منعکس می گردید، چنانکه فردوسی در شاهنامه از روزنامه های دیوان خراج در هزارسال پیش سخن می گوید:

به سه روزنامه به مُوید سپرد	گزیت و خراج آنچه بدنام برد
نگهبان آن نامه دستور بود	یکی آنکه بر دست گنجور بود
به هر کارداری و هر مهتری	دگر تا فرستد به هر کشوری
گزیت سُرُ بازها بشمرند <sup>۲</sup>	سدیگر به نزدیک مُوید برند

۱. دایرة المعارف فارسی ۱۹۰ (۱. س) ص ۱۱۱۸.

۲. شاهنامه بروخیم، ج ۸ ص ۴۱.

در فارسنامه ابن بلخی آمده است که در دستگاه قضایی پارس و بغداد از معاملات و مدارک مهم، نسخه‌یی در «روزنامه‌های مجلس» ثبت می‌کردند. تا اگر پس از گذشت صد سال، اختلافی پدید آید، از آن مدارک سود جویند و به اختلاف پایان بخشند. در منابع ادبی و تاریخی، روزنامه به معانی و مفاهیم دیگری نیز به کار رفته است: ناصر خسرو و نظامی و حافظ در مقام اندرز و نصیحت می‌گویند که هرکس باید به روزنامه خویش در نگرده و ایام عمر را غنیمت شمارد:

نیک بنگر به روزنامه خویش در مهیمای خار و خس به جراب

ناصر خسرو

چون در آن روزنامه کرد نگاه رو بر وی چونامه گشت سیاه

نظامی

آبی به روزنامه اعمال ما نشان باشد توان سترد حروف گناه از او

حافظ

کلمه روزنامه، در آثار منثور گذشتگان نیز به چشم می‌خورد: «مثال داد تا پسر را سیاست کنند و آن را تا تاریخ روزنامه عدل و انصاف گردانند.» (سندباد نامه، ص ۲۲۵).

هیچ خدمتی در این دولت و رأی آن نیست که ایام همایون ملک را تاریخی سازند و فتوح متواتر او را روزنامه کنند، تاصیت این دولت را بر تعاقب ایام باقی و مؤید ماند.» (عقد العلی)

ملك الشعراى بهار به دوران قبل از اسلام نیز توجه کرده می‌نویسد: «... باید دانست که از عهد بسیار قدیم، پادشاهان بزرگ، وقایع عمده زمان خود را به وسایلی گوناگون نگاه‌داری می‌کردند که از میان نرود و برای بازماندگان مایه تجریت و برای آیندگان موجب عبرت و اعجاب گردد. خبرداریم که در عهد هخامنشیان این کار معمول بوده است و مطالب روزمره در روزنامه‌ها ثبت می‌شده و در خزانه خاص این آثار که شاید گنج پلشت یا (دژ نیست) نام داشته به ودیعه نهاده می‌شده است و یا روی آجرهای گلی یا روی سنگهای کوه و الواح سنگی و فلزی یادگارهای خود را باقی می‌گذاشته‌اند.»<sup>۱</sup>

نه تنها در ایران، بلکه در سرزمین کهنسال چین «... در قرن هشتم به فرمان امپراتور «تانگ» قدیمیترین روزنامه جهان به نام پیام پایتخت انتشار می‌یافت، در این روزنامه پیامها و فرمانهای امپراتور و اخبار سیاسی مهم چاپ می‌شد این روزنامه تا ازمه اخیر با همین عنوان انتشار می‌یافت، یعنی بیش از هزار سال به حیات خود ادامه داد...»<sup>۲</sup>

۱. ملك الشعراى بهار، سبك‌شناسی، ج ۱، ص ۱۵۹ به بعد.

۲. کاسمینسکی، تاریخ قرون وسطا، ترجمه انصاری و مؤمنی، ص ۷۶.



## نشر روزنامه به مفهوم جدید در ایران

در دوره قاجاریه در اثر نفوذ تدریجی تمدن جدید (تمدن بورژوازی) و انتشار کتب، رواج صنعت چاپ، نشر جراید و مطبوعات و آمد و رفت اروپائیان، و اعزام عده‌ی دانشجوی در اروپا به دستور عباس میرزا نایب‌السلطنه، و نفوذ روزافزون سیاست استعماری دول صنعتی غرب در ایران، در کلیه شئون اجتماعی و سیاسی و ادبی ایران تغییراتی پدید آمد که انتشار روزنامه یکی از مظاهر آن است. باید توجه داشت که روزنامه‌نگاری از خیلی پیش در ایران معمول بود، منتها مفهوم آن با امروز فرق اساسی داشت، روزنامه‌های قدیم چنانکه گفتیم به وسیلهٔ مأموری مخصوص فراهم می‌شد و اخبار مهم روز را به اطلاع شاه یا وزیر می‌رسانید و سپس در محلی بایگانی می‌شد؛ ولی از دوره قاجاریه در اثر نفوذ تمدن غرب به تدریج این فکر پیدا شد که در ایران نیز به سبک ممالک اروپایی جراید و مطبوعاتی منتشر شود، تا عامهٔ مردم از اهم اخبار و وقایع جهان و از تصمیمات دولت در امور مختلف باخبر گردند؛ در اثر انتشار این فکر در سال ۱۲۵۴ برای اولین بار تحت نظر میرزا صالح شیرازی، قدیمترین روزنامه در ایران منتشر شد، ولی دوامی نیافت. در دوره ناصرالدین‌شاه، روزنامهٔ وقایع اتفاقیه به دستور امیرکبیر در ایران دایر گردید و تا سال ۱۲۷۷ به همین نام دوام یافت و سپس روزنامهٔ دولت علیه ایران نامیده شد.

نخستین خبری که در شمارهٔ اول این روزنامه نوشته شده این است: «از آنجا که همت حضرت اقدس شاهنشاهی معروف به تربیت اهل ایران و استحضار و آگاهی آنها از امورات داخله و وقایع خارجه است، لهذا قرار شد که هفته به هفته، احکام همایون و اخبار داخله مملکتی و غیره را که در دول دیگر «گازت» می‌نامند، در دارالطباعه دولتی چاپ شود و به کل شهرهای ایران منتشر گردد، که اهالی ممالک ایران نیز در هر هفته از احکام دارالخلافة مبارکه و غیره اطلاع حاصل نمایند و از جمله محسنات این گازت یکی آنکه سبب دانایی و بینایی اهالی این دولت علیه است، دیگر آنکه اخبار کاذبه و اراجیف که گاهی برخلاف احکام دیوانی و حقیقت حال در بعضی از شهرها و سرحدات ایران پیش از این باعث اشتباه عوام این مملکت می‌شد، بعد از این به واسطهٔ روزنامه، موقوف خواهد شد، بدین سبب لازم است که کل امنای دولت ایران و حکام ولایات، و صاحب‌منصبان معتبر، و رعایای صادق این دولت، این روزنامه‌ها را داشته باشند و برحسب قرارداد فوق در یوم جمعه پنجم شهر ربیع‌الثانی ایت‌نیل سنه ۱۲۶۷ به این کار شروع شد و مباشر این روزنامه به هرکس که طالب باشد هفته به هفته خواهد رسانید.»

دیگر از مطبوعات مهم این دوره، روزنامهٔ ایران است که تحت ریاست محمد